



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۱ - تفسیر بخش‌های مختلف آیه - بخش اول - دیدگاه دوم - وجه ایجابی -

تاریخ: ۱۴ مهر ۱۴۰۴

مصادف با: ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۴۷

جلسه: ۵

شواهد ناپسندی وجه ایجابی کلام بنی اسرائیل

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

وجه ایجابی بخش اول

در بحث تفسیری آیه ۶۱ عرض کردیم این آیه مشتمل بر بخش‌های متعددی است؛ بخش اول این بود: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ». در بخش اول یک درخواست سلبی است و یک درخواست ایجابی؛ اینکه گفتند «لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ»، وجه سلبی درخواست آنها بود. از این قسمت که گفتند «فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا»، وجه ایجابی است. ما درباره مجموع این درخواست عرض کردیم، این درخواست معصیت‌آمیز بود؛ نه یک درخواست معمولی که عقلاً برای تنوع در طعام یا تکمیل طعام دارند. شواهد معصیت بودن این درخواست را ذکر کردیم و به دلایل کسانی که قائل شده‌اند این درخواست معصیت نیست، رسیدگی کردیم و پاسخ دادیم. نتیجه این شد که در وجه سلبی، اینها با این لحن اعلام بی‌صبری نسبت به آن طعام واحد کردند که همان من و سلوی بود.

شواهد ناپسندی وجه ایجابی کلام بنی اسرائیل

در ادامه، وجه ایجابی درخواست خودشان را بیان کردند و به حضرت موسی گفتند: از پروردگارت بخواه که برای ما از زمین، روئیدنی‌هایش را «مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا» خارج کند. این همان وجه ایجابی است. در این وجه ایجابی هم همانند وجه سلبی، لحن یک لحن مؤدبانه نیست. خود این تأکید می‌کند معصیت بودن اصل این درخواست را؛ یعنی در هر دو درخواست سلبی و ایجابی، ادبیات ناپسند به کار بردند، این خودش به نوعی احتمال معصیت بودن را تقویت می‌کند و اینکه اساساً از روی لجاجت و عناد و بهانه‌جویی بوده است.

۱. در این بخش هم خطاب «یا موسی» کأن وجود دارد؛ درست است که اینجا تکرار نکرده‌اند، اما در طلیعه کلامشان گفتند «یا موسی لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ». خود اینکه پیامبر خدا را با این لفظ و با اسم صدا می‌کردند، یک اهانت است؛ اینکه بالاخره به جای اینکه بگویند یا رسول‌الله، یا نبی‌الله، می‌گویند یا موسی؛ مثل اینکه حضرت موسی یکی از خودشان باشد. نظیر این را در آیات دیگر هم مشاهده می‌کنیم؛ یعنی در برخی درخواست‌های دیگر، خطاب آنها به حضرت موسی همینطور است: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ».

۲. «فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ»، برای ما از خدای خودت درخواست کن. یک وقت است که می‌گویند «فادع لنا ربنا»، از پروردگارمان چنین بخواه که مثلاً چنین کاری برای ما انجام بدهد؛ اما اینجا می‌گویند که از خدایت بخواه که این کار را انجام بدهد. گویا خداوند، پروردگار و رب آنها نبوده است. این هم شاهد دوم بر مدعا است که در کلمات بنی اسرائیل دیده می‌شود.

۳. درخواست آنها این است که زمین از آنچه می‌رویاند، برای آنها چیزی خارج کند؛ این ظهور در آن دارد که این حضرات کأن می‌خواستند بدون زحمت و مشقت و بدون کار، همانطور که خداوند تبارک و تعالی من و سلوی را برای آنها نازل کرد، از زمین این چند چیزی که خواستند را خارج کند. می‌گویند «يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ»؛ خیلی چیزها را زمین می‌رویاند؛ رویاندن زمین به دو شکل انجام می‌شود. گاهی رویاندن زمین بدون دخالت عامل انسانی است؛ مثل درختانی که در جنگل‌ها هستند و بعضاً میوه‌های خاص دارند و مثمر هستند؛ اینها در شرایط آب و هوایی خاصی از زمین می‌رویند. گاهی آنچه که از زمین می‌روید، با کمک عامل انسانی است؛ مثلاً درختی را می‌کارد و کشت و زرع می‌کند و یک محصولی را بدست می‌آورد. ظاهر جمله آنها این است که تو از خدا بخواه از آن چیزهایی که زمین خود می‌رویاند، یعنی از قسم اول و بدون اینکه ما دخالتی داشته باشیم و کار و تلاش کنیم، به ما بدهد. یعنی همانطور که من و سلوی در آن بیابان از سوی خداوند نازل شد، الان هم از زمین این چیزها روئیده شود. ما قبلاً در مورد من و سلوی چند احتمال را گفتیم که اصلاً من و سلوی چیست و چرا اینجا می‌گوید «يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ». کأن من و سلوی به عنوان مائده‌ها و طعام‌های الهی و آسمانی بوده، اما حالا می‌گویند ما زمینی می‌خواهیم. گفتیم در رابطه با معنای من اختلاف است، اما اجمالاً قطراتی بود مثل شبنم که بر روی گیاهان و درختان می‌نشست؛ اینها شیرین بود و در ساعت خاصی روی برگ‌ها قرار می‌گرفت و آنها موظف بودند که به اندازه مورد نیاز، از آنها استفاده کنند و بیش از آن هم نباید برمی‌داشتند و کنار بگذارند؛ از این کار منع شده بودند اما باز هم آنها این کار را می‌کردند. گفته بودند به اندازه‌ای که نیاز دارید بخورید، اما آنها به خاطر حرص و طمعی که داشتند، از این مائده‌ها بیش از نیاز برمی‌داشتند و اینها فاسد می‌شد. بعضی گفته‌اند ترجین؛ خلاصه هر چه که بود، یک شیرینی خاصی داشت که هم تشنگی آنها را برطرف می‌کرد و هم نیرو و انرژی به آنها می‌داد. سلوی هم همینطور؛ در مورد سلوی گفته‌اند پرنده‌ای مثل گنجشک یا کبک بوده است.

طبیعتاً من و سلوی از آسمان فرود می‌آمد، حالا بنی‌اسرائیل تقاضای یک مائده زمینی کردند. اینکه می‌گویند از خدایت بخواه برای ما از چیزهایی که زمین می‌رویاند اخراج کند، یعنی ما خودمان را به زحمت نیندازیم؛ همانطور که من و سلوی بر ما بدون زحمت نازل شد، این عدس و سیر و پیاز و خیار هم بدون زحمت نصیب ما شود. این هم شاهد همان نکته‌ای است که عرض کردیم که این صرف یک درخواست عقلانی برای تنوع بخشیدن به اطعمه و غذاهایشان نبود؛ مثل بچه که بهانه می‌گیرد و هر چیزی به او می‌دهید، یک چیز دیگر را طلب می‌کند؛ اینها واقعاً چنین بهانه‌گیری‌هایی داشتند.

۴. اینکه می‌فرماید «يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ»، آیا واقعاً اسناد انبات به أرض از لسان بنی‌اسرائیل، اسناد حقیقی است یا اسناد مجازی؟ با توجه به سابقه بنی‌اسرائیل که مشکل اصلی آنها توحید بود، بعید نیست که اسناد انبات به أرض در واقع یک نوع کم‌رنگ کردن نقش خداوند در این عالم بود. می‌گوید «فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ»، با قطع نظر از اینکه می‌گویند ما هیچ کاری نکنیم، بلکه خود زمین برای ما اینها را خارج کند، این سخن البته می‌تواند اشاره به واسطه اخیر در حلقه علت‌های این عالم باشد، اما بعید نیست که جنبه انکار توحید در آن باشد. می‌گویند به خدایت بگو از آن چیزهایی که زمین می‌رویاند، اینها را به ما بدهد. خود این هم یک مقداری موهن است و هم می‌تواند دلالت بر ضعف اعتقادی آنها باشد. البته این را با قاطعیت نمی‌توان گفت؛ چون اسناد انبات به زمین متعارف است؛ اینطور نیست که اگر کسی این نسبت را بدهد،

مشکل کفر یا شرک پیدا کرده باشد.

بالاخره اینها آمدند و درخواستی کردند که یک وجه ایجابی و یک وجه سلبی داشت. وجه سلبی را خیلی با شدت گفتند، لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ؛ وجه ایجابی را هم توضیح دادیم.

بقل، قثاء، فوم، عدس و بصل هم نکته خاصی ندارد؛ جز اینکه همه در یک جهت مشترک هستند که مما تثبت الارض هستند و مائدهای زمینی محسوب می شوند و از زمین روئیده می شوند.

بحث جلسه آینده

بخش دوم آیه این است: «قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ». بخش دوم در واقع مقول قول حضرت موسی است که یک استفهام است، بعد یک دستور است، بعد یک پیش بینی از آینده این قوم است؛ بعد هم علت آن بیان شده است که به مرور اینها بیان می شود.

«والحمد لله رب العالمین»